



عبدالاحمد فیض

نسل‌کشی و کشتار جمعی مسلمانان در میانمار و سکوت شرم آور جهان

میانمار که بر ما نامیده می‌شود، کشوریست واقع در جنوب شرق آسیا، از مستعمرات بریتانیا که در سال (۱۹۴۸) میلادی به استقلال رسید. این کشور زاده تجاوز، تشدد و وحشت در سال (۱۹۶۲) میلادی بدست نظامیان سقوط کرد و از همان سال الی سال (۲۰۱۱) بوسیله یک رژیم دکتاتوری نظامی اداره می‌گردید، اما انتخابات (۲۰۱۲) در آن کشور به تشکیل یک دولت نیمه نظامی منتهی و دولت جدید متعهد گردید که با حمایت بین‌المللی منجمله ایالات متحده روند انکشاف دموکراتیک را تعقیب، ریفورم‌های بنیادی را انجام و بحقوق و از ادیهای بشری احترام می‌گذارد، که هیچگاهی عملی نگردید.



در برما بیش از پنجاه میلیون نفر که از اقوام و نژادهای متفاوت و گوناگون ترکیب یافته اند، زندگی میکند که (۶۸) درصد جمعیت آن کشور را تبار برمه، (۷) فیصد کارن و مابقی اقلیتهای قومی هستند که سرنوشت آنها با رنج های بیکران، مصایب نا محدود و بیعدالتی های گوناگون گره خورده است.

تنوع قومی و وجود نژادها و اقوام مختلف در میانمار ، موجب ظهور ادیان مختلف در آن کشور گردیده است که (۸۹) درصد جمعیت را بوداییان ، (۶) درصد مسیحی، (۷) درصد مذهب هندویزم و (۴) درصد را پیروان دین اسلام تشکیل میدهند که بر مبنای امار غیر رسمی تعداد مسلمانان در میانمار در حدود چهار میلیون تخمین و در یکی از مناطق غربی آن کشور یعنی در شهر راخین و حومه ای آن بدون داشتن حق شهروندی و در فقدان حمایت‌های حقوقی حیات بسر می برند .

مسلمانان بر ما وارثان انعده از تاجران هستند که در قرن اول هجری و بر وفق نظیریات و نوشته های سیاحان چینی در سده سوم میلادی از سرزمینهای اعراب و یاهم ایران به عزم تجارت مسیر طولانی را طی و با عبور از مناطق غربی میانمار امروزی ، خویشرا به غرب چین میرسانیدند. که این مسافرتها تجارتی مسلمانان باعث شد تعدادی از آنها در برخی از مناطق حاصلخیز در برما و بخصوص در ارکان متوطن و جمعیت کنونی مسلمانان میانمار را بنام مسلمانان راهینجا رقم زدند.

کشور میانمار ویا بر ما طولانی ترین تاریخ نبردهای داخلی ، قتل و کشتار بیرحانه اقلیت‌های نژادی و مذهبی را در کارنامه سیاه خود دارد که بیشترین تعدی ، توحش ، رفتارهای اهانبار ، زجر و شکنجه ، قتل و کشتار علیه اقلیت قومی و مذهبی مسلمان در آن کشور اعمال گردیده است .

چنانچه به استناد مدارک تاریخی درین زمینه میتوان از قتل بیش از پنجهزار اقلیت مسلمان بدست بود پرستان ناسیونا لیست میا نمار نامبرد که در خلال جنگ دوم جهانی در (۲۸) مارچ سال (۱۹۴۲) میلادی اتفاق افتید و ازین تاریخ به بعد اقلیت مسلمان بطور مستمر و سیستماتیک مورد خشونت‌های بی رویه نژاد پرستان قرار گرفت .

بر بنیاد گزارشهای خبری و سایل اطلاعات جمعی برخی کشورها و کاربران شبکه های اجتماعی که درینروزها تصاویر و ویدیوهای از صحنه های وحشتناک کشتار گروهی اقلیت قومی و مذهبی مسلمان ، آتش زدن انسان زنده ، مثله نمودن اعضای بدن مقتولان و مجروحان و تجاوزات گسترده جنسی علیه زنان و دختران مسلمان در شهر روخین بر ما را منتشر کرده است ، بدون تردید بازتاب خشن ترین نوع از پاکسازی قومی و جنابیت ضد بشری را در سده حاضر به نمایش میگذارد که بوسیله ملی گرایان افراطی با انگیزه های دنی و پست نژادپرستانه به هدف نسل کشی انهم تحت چتر حمایتی دولت آن کشور صورت میگیرد.

فلهذاء باتوجه به ابعاد فجایع کنونی در میانمار پرسش های آتی در اذهان عمومی ایجاد میگردد :

۱ - چه میکا نیزمها و معیارهای جهانی در ممنوعیت ، تعقیب و محاکمه عاملان این جنایات ضد بشری وجود دارد ؟

۲- نقش سازمان ملل متحد ، نهاد های مدافع حقوق بشر و دولتها در زمینه چیست ؟

نسل کشی یا پاکسازی قومی در حقوق بین المللی از بزرگترین و وحشتناکترین جنایات ضد بشری است که تا قبل از ایجاد سازمان ملل متحد ، در حقوق بین المللی عرفی و در پرا تیک مناسبات دول توصیف جرمی به مفهوم کنونی را نداشت و در مقاطع مختلف تاریخی هم بوسیله گروه های قومی قدرتمند و هم توسط نظامهای سیاسی حاکم علیه اتباع خودی به پیمانها وسیع و گسترده ان صورت گرفته است .

بعد از وقوع جنگ جهانی دوم که قتل و کشتار بیرحمانه گروه های مذهبی و پاکسازی قومی در محور سیاست فاشیسم قرار گرفت و میلیونها انسان در کشور های مختلف تحت اشغال المان نازی طور گروهی و جمعی به قتل رسیدند ، پدیده مرگبار نسل زدایی در محراق توجه دولتها و حقوقدانان قرار گرفت و تلاش گردید تا پاکسازی قومی یا نسل زدایی را بمثابه جرم بین المللی و جاهت حقوقی بخشد .

لذاء بتاسی از مساعی دولتها و دکتورین جنوساید که نخستین بار توسط حقوقدان برجسته پولندی (رافیل لمکین) ار ایبه گردید بود ، سازمان ملل متحد در نخستین سال کاری اش در دسامبر سال (۱۹۴۶) م قطعنامه شماره (۱۹۶) را مورد تصویب قرار داد که بر مبنای ان نسل کشی جرم بین المللی تعریف گردید و بعد از دوسال یعنی بتاریخ نهم دسامبر (۱۹۴۸) میلادی کانونسیون بین المللی منع و مجازات جنوساید یا نسل کشی در مجمع عمومی ملل متحد مورد تصویب قرار گرفت که مظهر درخشان اراده قاطع ملل و دولتها در مبارزه علیه این جنابیت و وحشتناک ضد بشری پنداشته میشود .

ماده دوم کانسون فوق چنین حاکمیت : ((یکی از اعمال و اقدامات ذیل که به قصد امحای کامل ویا قسمی یک گروه قومی ویا مذهبی انجام گیرد ، جنوساید یا نسل زدایی توصیف میگردد.))

الف - قتل و کشتار گروه قومی ، نژادی ویا مذهبی .

ب - ایجاد تعدی شرایط و احوالیکه موجبات نابودی قومی را فراهم میسازد .

ج - انتقال اجباری ویا کوچ دادن تحمیلی اقلیتهای قومی و مذهبی از محلات و مناطق که در آن اسکان دارند.

د - تحمیل اقدامات بازدارنده از تولد و تناسل در میان گروه قومی به هدف کاهش نفوس آنها.

ماده سوم : ((دولت ویا هر عنصر دیگری که با استفاده از ابزارهای چون ترغیب ، حمایت و وساطت در تبانی با فاعلان اصلی عمل نمایند نیز مشمول مجازات جنوساید گردیده و بمثابه جنایتکار کشتار همگانی مستلزم تعقیب عدلی و مجازات در دادگاه بین المللی جرایم ضد بشری پنداشته میشود .))

بنابراین بتاسی از احکام ماده دوم و سوم کانوانسیون بین المللی ژینوساید ، حوادث خونین کنونی در میانمار نوع خشن جنایت علیه بشریت و نسل کشی توصیف ، مرتکبان قتل و کشتار فاجعه بار اهالی مسلمان توسط ملی گرایان افراطی که در حضور نیروهای امنیتی صورت گرفته و دولت آن کشور هیچگونه اقدامی در جلوگیری از آن اتخاذ نکرده است ، بوضوح چون ناقضان حقوق بشر و مرتکبان بد نام کشتار همگانی کسب مسوولیت مینمایند.

مورد دیگری که نقض گسترده حقوق بشری و جنایت علیه بشریت را در قلمرو تحت سلطه نظامیان میانمار علیه اقلیت مذهبی مسلمان برجسته ساخته ، سازمان دیده بان حقوق بشر ، سازمان عفوبین المللی وسایر نهادهای مدافع حقوق بشر اکیداء روی آن تاکید داشته است عبارتند از :

- در میانمار اقلیتهای قومی و مذهبی مسلمان از حق شهروندی محروم بوده و فاقد مدارک رسمی کارت هویت و پاسپورت میباشند .

- اقلیتهای مذهبی حق ادای مراسم دینی شانرا ندارند.

- آنها از حق تحصیل محروم هستند .

- دولت در حیات خصوصی و فامیلی مسلمانان دخالت نموده و داشتن بیش از دو طفل جرم تلقی میگردد.

- از اطفال مسلمان غرض انجام کارهای شاقه استفاده میگردد .

- از حق داشتن ملکیت و ثروت محروم میباشند .

بنابراین به استناد موارد فوق ، حقوق و ارزشهای بشری اقلیت مسلمان وسایر گروه های نژادی و مذهبی در مغایرت جدی با معیارهای جهانی حقوق بشر در بر ما نادیده گرفته شده ، طبقه حاکم ستمگر و نژادپرستان بودایی در آن کشور بدون هرگونه نگرانی از عواقب زیانبار نقض اشکار حقوق بشری ، بی هراس حقوق بنیادین بشری و حقوق بین المللی بشردوستانه را به نحوه خشن ، مستمر و سیستماتیک آن زیر پا گذاشته است . لذا بجای خواهد بود اگر متذکر شد که میانمار یعنی کشوری که در آنجا از اسناد و معیارهای جهانشمول مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب (۱۰) دسامبر سال (۱۹۴۸) میلادی . کانوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و کانوانسیون حقوق اقتصادی و فرهنگی مصوب (۱۶) دسامبر (۱۹۶۶) میلادی خبری نیست و آن کشور بی باکانه به نقض وسیع نورمهای پذیرفته شده حقوق بین المللی ادامه میدهد.

فلهذاه گستره فجایع مرگبار ضد حقوق بشر و ارزشهای انسانی ، قتل و کشتار ظالمانه و غیر انسانی اقلیتهای قومی و مذهبی در میانمار بدون هیچ ابهامی ، نیاز مداخله هر چه عاجل سازمان ملل متحد ، نهاد های مدافع حقوق بشر ، دولتها و بخصوص، لیک کشورهای عربی و جهان اسلام را در حوادث خونین جنوساید و کشتار جمعی در آن کشور در دستور روز قرار میدهد . اما این ضرورت تاریخی رسیدگی به جنایات فوق ، باتاسف با اهمال ، موضعگیریهای محافظه کارانه و بی توجهی جامعه جهانی همراه بوده است . سازمان ملل متحد بمثابه عالیترین نهاد جهانی حافظ صلح و حامی حقوق و ارزشهای انسانی مسوولیت دارد تا نظاره گر چنین حوادث دردناک خلاف ارزشهای انسانی نبوده و با استفاده از صلاحیتهای گسترده شورای امنیت ، ضرورت وضع تعزیرات همه جانبه اقتصادی و حتی کاربرد زور و توسل بقوه را در چهارچوب اصل دخالت بشردوستانه بخاطر جلوگیری از گسترش نقض فاجعه بار و اسفناک حقوق بشر و جنوساید در میانمار چون کشور ناقض حقوق بشر در دستور کار شورای اقرار دهد . به اعتقاد من ، اوضاع جاری در میانمار مبیین انست که کلیه شرایط و اسباب حقوقی مداخله انساندوستانه در امور آن کشور محقق گردیده است و به ایقان کامل میتوان خاطر نشان ساخت ، که اقدامات نهایت بیرحمانه ضد انسانی در آن کشور ، شک و تردیدهای برخی از متخصصین حقوق بین المللی را مبنی بر اینکه مداخلات مسلحانه به بهانه نقض حقوق بشر در امور داخلی کشورهای مستقل دیگر ، اکثرا به ابزار مداخله قدرتهای معیین در امور داخلی دول

دیگر مبدل گردیده و یا میگردد، بوضوح منتفی نموده و ضرورت تنبیه کشور بر ما در شرایط موجود بیک امر تاخیر ناپذیر مبدل گردیده است .

اما سازمان ملل متحد نگرانی خویش را صرفاً با اصدار معدود اعلامیه های که از ادرس دفتر کار سرمنشی آن سازمان صدور یافته است ، بجانب میا نمار ابراز داشته و از حکومت آن کشور خواسته شده است تا از جنوساید و پاکسازی قومی اقلیت مسلمان در آن کشور دست بردارد ، و در پاسخ میانما ر از ملل متحد خواهان ایجاد کمپ های محارنشین در بیرون از مرزهای کشورش و اخراج مسلمانان آن کشور گردیده و انرا وسیله مناسبی برای قطع منازعه کنونی خوانده است .

فلهذا از منظر حقوقی و نیز ادبیات رایج درگفتمان بین المللی ، این تقاضای دولت میا نمار از سازمان ملل متحد استهزاء ، اهانت به این نهاد جهانی و بی تفاوتیهای شجاعانه آن کشور در زیرپا نهادن ارزشهای حقوق بین المللی چیزی دیگری بوده نمی تواند .

اتحادیه و یا لیک کشورهای اسلامی عربی که خویشرا میزبان کشورهای اسلامی نامیده و ادعای نمایندگی بیش از سه صد میلیون مسلمان را دارد و بخصوص کشورهای اسلامی که همواره سنگ دفاع از اسلام را به سینه میکوبد ، به استثنای مداخلات ماجراجویانه و تجاوزکارانه در مسایل داخلی خود کشورهای اسلامی ، در همچو موارد معین و حساس که در آن خون مسلمانان بیدفاع میریزد ، خود را از دایره نفوذ قدرتهای خارجی و یا حامیان قدرتمند بیرون نتوانسته و حوادث ازین گونه را در چهارچوب اهداف و نیات قدرتهای بزرگ جستجو و نها یتاء درقبال قتل عام و تاجا وزات گسترده جنسی به ناموس مسلمانان بر ما سکوت شرم آور و مضحکی را ترجیح داده و از دخالت در موضوع بطور جدی و عملی ان اجتناب ورزیده اند .

اتحادیه اروپا با نشر اعلامیه ای از دولت میانمار خواهان قطع حملات علیه اقلیتهای مذهبی شد . ایالات متحده امریکا که بعد از تحولات سالهای پسین در میا نمار یکی از بازیگران مهم در مسایل داخلی آن کشور در رقابت با چین کشور همسایه ان مبدل گردیده و ان کشور نیات و اهداف راهبردی اش در تحولات و انکشافات اوضاع در کشورهای واقع در جنوب و جنوب شرق اسیا منجمله در میا نمار را حمایت ایالات متحده از روند دموکراتیک میخواند ، منجر به نگرانی چین از توسعه نفوذ غرب در امتداد مرزها و حوزه نفوذ آن کشور گردیده و این تقابل منافع استراتژیک دو قدرت باعث گردیده است تا هر دو کشور از بکارگیری نفوذ خویش در مداخله به موضوع جنوساید در میا نمار خود داری نمایند .

همچنان در ارتباط به موضوع لازمی میدانم تا از وقایع المناک جنوساید و پاکسازی قومی در دهه نود قرن گذشته در دو کشور ، یوگوسلاویا سابق و کشور روندانامبرد ، که شباهتهای انکارناپذیری با واقعه نسل کشی در میانمار داشته ، اما در آن دومورد ، موضع جامعه جهانی و سازمان ملل متحد برخلاف آنچه در میا نمار در جریان است ، با کاربرد نیروی مسلح و مداخله انسا ندوستان همراه گردید ، اما این اقلیتهای نژادی و مذهبی در میانمار است که با برخورد و نوع رفتار دوگانه بین المللی در قضایایی مشابه مواجه بوده ، بنا بر ان هرگونه اقدام تبعیض آمیز در قبال حوادث ازین دست در میا نمار منجر به بی اعتمادی فزاینده جهانی نسبت به معیارهای جهان نشمول گردیده و از اعتبار و پرستیژ ملل متحد خواهند کاست .

کوپن هاگن

14.06.2015

<http://hoqooq.eu/>